

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۷

بررسی شبهات وهابیت در مسئله «تقیّه» (۸۰) - ملاک وجوب در تقیه (۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمدلله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما پیرامون موضوع تقیه از منظر احکام خمسہ بود که در این رابطه گفتیم آنچه از ادله اثبات می شود بحث وجوب است. ما بحث تقیه مداراتی را کنار می گذاریم و اصل تقیه را بحث می کنیم که از ادله آن وجوب استنباط می کنیم.

ما روایتی را از کتاب «صحيح بخارى» بیان کردیم که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به عایشه می فرماید:

«وَلَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثٌ عَنْهُمْ بِالْجَاهِلِيَّةِ فَأَخَافُ أَنْ تُنْكَرَ قُلُوبُهُمْ أَنْ أُدْخَلَ الْجَدْرَ فِي الْبَيْتِ وَأَنْ أُلْصِقَ
بَابَهُ بِالْأَرْضِ»

عایشه قوم تو تازه از جاهلیت بیرون آمده اند، بیم آن دارم که اگر حجر اسماعیل را داخل خانه ببرم و در خانه را به زمین بچسبانم آن ها از ایمان بیرون بروند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۲، ص

۵۷۳، ح ۱۵۰۷

یا در روایت دیگری می فرمایند:

«لَوْلَا جِدَّتَانِ قَوْمِكَ بِالْكَفْرِ لَفَعَلْتُ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٢، ص ٥٧٣، ح ١٥٠٦

همچنین روایت دیگری از کتاب «مستدرک علی الصحیحین» نقل کردیم که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و سلم) فرمودند:

«أبَاذِرْ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا كُنْتَ فِي حِثَالَةٍ وَشَبَكٍ بَيْنَ أَصَابِعِهِ»

ای اباذیر! چگونه هستی که در میان افراد پست و فرومایه باشی.

مراد از «حِثَالَةٌ» شخص پست و فرومایه است. این تعبیر در حدیثی در مورد تعمیر مراقد ائمه طاهریں (علیهم السلام) هم وارد شده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: یا علی! بعد از تو شیعیان قبور شما را تعمیر می کنند و آباد می کنند و حثاله ای از مردم آن ها را مسخره و مذمت می کنند!!

«ابوذر» در ادامه به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض می کند:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَأْمُرُنِي»

یا رسول الله! زمانی که گرفتار افراد فرومایه شدم چکار کنم؟!

«قال اصبر اصبر اصبر خالقوا الناس بأخلاقهم وخالفوهم في أعمالهم»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص
٣٨٦، ح ٥٤٦٤

همچنین در روایت دیگری وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«لَا يَنْبَغِي لِمُسْلِمٍ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ قِيلَ وَكَيْفَ يَذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ مِنَ الْبَلَاءِ لِمَا لَا يَطِيقُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة
- مصر، ج ٥، ص ٤٠٥، ح ٢٣٤٩١

پرسش:

در کتاب «صحیح بخاری» روایتی از «ابن عمر» نقل شده است که می‌گوید: صحابه از پیغمبر اکرم (صلی الله
علیه و آله) هم تقیه می‌کردند. روایت چنین است:

«كُنَّا نَتَّقِي الْكَلَامَ وَالْإِنْسِاطَ إِلَى نِسَائِنَا عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ هَيَبَةً أَنْ يَنْزِلَ فِينَا شَيْءٌ فَلَمَّا تُوفِّيَ النَّبِيُّ تَكَلَّمْنَا
وَأَنْبَسْنَا»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص
٤٨٩١، ح ١٩٨٧

پاسخ:

البته در توضیح این روایت دارد که:

«كنا نتقى) أى: نجتنب الكلام الذى يخشى منه سوء العاقبة. قوله: (والانبساط) أى: ونتقى أيضا الانبساط إلى نساتنا، وأراد به التقصير فى حقهن وترك الرفق بهن. قوله: (هيبة) مفعول له. لقوله: (نتقى) أى: نتقى لخوف (أن ينزل فينا) أى فى شأننا شىء من الوحي، وكلمة: أن، مصدرية أى: خوف النزول. قوله: (تكلمنا وانبسطنا) يريد به تغيير شأنهم عما كانوا عليه فى عهد النبى، والدليل عليه ما رواه ابن ماجه أيضا عقيب الحديث المذكور من حديث أبى بن كعب، قال: كنا مع رسول الله وإنما وجهنا واحد، قبض نظرنا هكذا»

عمدة القارى شرح صحيح البخارى، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج ٢٠، ص ١٦٧، ح ٧٨١٥

روايت تمام شد، ولى ظاهراً دلالتى بر مسئله ما نداشت! البته در روايات «عمر» وجود دارد كه او در صحبت با حذيفه از نفاق خودش مى ترسد! «عمر بن خطاب» به «حذيفه» گفت:

«أَنْشُدْكَ اللَّهَ أَمِنْهُمْ أَنَا؟»

تو را به خدا سوگند مى دهم آیا من جزو منافقين هستم؟!

«قَالَ: لَا وَاللَّهِ، وَلَا أُؤْمِنُ مِنْهَا أَحَدًا بَعْدَكَ»

حذيفه گفت: به خدا سوگند نه، ديگر كسى را بعد از اين تبرئه نمى كنم.

تفسير القرآن العظيم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠١، ج ٢، ص ٣٨٦، باب التوبة: (١٠١) وممن حولكم من

«ابن جوزى» هم ذيل آيه شريفه:

(وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا)

و حال آنکه کلمه کفر را بزبان راندند و بعد از اسلامشان کافر شدند، و به امری همت گماردند که بدان نائل نشدند.

سوره توبه (۹): آیه ۷۴

تعبیری از «عمر بن خطاب» دارد و می‌گوید:

«ما فرغ من تنزل براءة حتى ظننا أن لن يبقى منا أحد إلا سينزل فيه شيء»

زمانی که سوره منافقین نازل می‌شد، هرکدام از صحابه تصور می‌کردیم در رابطه با نفاق ما در این سوره چیزی نازل خواهد شد.

زاد المسیر فی علم التفسیر، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی، دار النشر: المكتب

الإسلامی - بیروت - ۱۴۰۴، الطبعة: الثالثة، ج ۳، ص ۴۶۶، باب التوبة: (۶۴)

بنابراین مقداری مشکل است که بخواهیم از این روایت بخاری، تقیه را استفاده کنیم.

پرسش:

از این روایت به دست می‌آید که صحابه آرزوی مرگ پیامبر را داشته اند؟

پاسخ:

نه ! از این روایت بدست نمی‌آید. همان آیه شریفه **(وَهُمْ أُولَاؤُا بِمَا لَمْ يَنَالُوا)** کفایت می‌کند و نیازی به این روایت نداریم. ذیل این آیه شریفه وارد شده است تعدادی از صحابه که تعدادشان چهارده نفر بودند، در بازگشت از جنگ تبوک قصد کشتن پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را داشتند.

پرسش:

از روایت بخاری می‌توانیم این‌طور اثبات کنیم که صحابه می‌خواستند کاری انجام بدهند، اما از ترس پیغمبر اکرم این کار را انجام ندادند؟! اصولاً از این جهت اثبات بحث تقیه می‌کند. عبارت «تَتَّقِي» گواه بر این موضوع است.

پاسخ:

مهم این است که ببینیم شارحین در مورد آن چه گفته‌اند. عبارت «عینی» خیلی واضح نبود، حال باید ببینیم که «ابن بطلال»، «ابن حجر» و دیگران در این زمینه چه مباحثی مطرح کردند. در هر صورت نکته زیبایی بود که دوستان مطرح کردند.

در هر صورت...

آقای «نووی» می‌گوید: اصلاً به طور کلی تقیه اقسام مختلفی دارد؛

«رُخْصَةٌ وَاجِبَةٌ وَلَهَا صُورٌ: مِنْهَا مَنْ عَصَّ بِلُقْمَةٍ وَلَمْ يَجِدْ مَا يَسِيغُهَا بِهِ إِلَّا حَمْرًا»

مورد جواز در جایی است که شخصی لقمه در گلویش گیر کرده بود و هیچ آشامیدنی غیر از شراب در اختیار نداشت تا بخورد و این لقمه را پایین ببرد.

مراد از «عَصَّ بِلُقْمَةٍ» این است که لقمه در گلو کسی گیر کرده است.

«وَجِبَتْ إِسَاعَتُهَا بِهِ»

واجب است شراب بخورد تا لقمه پایین برود.

«إِسَاعَتُهَا» به معنای فروبردن است.

بعد می‌گوید:

«وَهِيَ رُخْصَةٌ نَصَّ الشَّافِعِيُّ عَلَى وُجُوبِهِ وَاتَّفَقَ الْأَصْحَابُ عَلَيْهِ: وَمِنْهَا أَكُلُ الْمَيْتَةَ لِلْمُضْطَّرِّ رُخْصَةً وَاجِبَةً
عَلَى الصَّحِيحِ»

المجموع شرح المهذب ((مع تكملة السبكي والمطيعي))، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن
شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، الناشر: دار الفكر، (طبعة كاملة معها تكملة السبكي والمطيعي)، ج ٤،
ص ٣٣٦، باب صلاة المسافر

ایشان همانند ما شیعیان معتقد است که در موارد ضرورت، مسئله به این شکلی است. فرض کنید شخصی در
بیابان مشغول غذا خوردن است و آب همراه خود ندارد، اما دوست او همراه خود شراب دارد. یا فرض کنید
شخصی در هواپیما مشغول غذا خوردن است که آب تمام شده است، اما شراب موجود است.

همچنین در کتاب «الإقناع» وارد شده است:

«وبالمختار المصبوب في حلقه قهرا والمكره على شربه لحديث رفع عن أمي الخطأ والنسيان وما
استكرهوا عليه وبغير ضرورة ما لو غص أي شرق بلقمة ولم يجد غير الخمر فأساغها بها فلا حد عليه
لوجوب شربها إنقاذاً للنفس من الهلاك والسلامة بذلك قطعية بخلاف الدواء وهو رخصة واجبة»

الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع، اسم المؤلف: محمد الشربيني الخطيب، دار النشر: دار الفكر - بيروت
- ١٤١٥، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات - دار الفكر، ج ٢، ص ٥٣١، فصل في حد شارب السكر من
خمر وغيره

در کتاب «مغنی المحتاج» هم همین تعبیر وارد شده است؛ همچنین آقای «دمیاطی» در کتاب «إعانة
الطالبین» همین تعبیر را آورده است.

در هر صورت علمای اهل سنت در رابطه با این قضایا همان تقیه را مطرح می‌کنند؛ اما از آن با عنوان «رخصت» یاد می‌کنند، نه «تقیه». حال ما نمی‌دانیم که با اسم عوض کردن می‌توان حکم را هم تغییر داد یا نه؟!

پرسش:

آیا علمای اهل سنت به روایاتی استناد کردند که بخواهند با آن روایات تقیه را رد کنند؟!

پاسخ:

نه، ما شبهات اهل سنت در رابطه با تقیه را حدود ۲ ماه به طور مفصل مطرح کردیم. آن‌ها در هیچ جایی استناد به روایتی نداشتند. اهل سنت معتقدند که شیعه تقیه می‌کند و تقیه نفاق است. لذا اهل سنت هیچ روایتی در رد تقیه نیاوردند.

ما در کتاب «رد غفاری» به این مسئله اشاره کرده‌ایم. آقای «غفاری» در کتاب «اصول مذهب شیعه» تمام مطالبی که در رابطه با تقیه علیه شیعه است را آورده است. آن‌ها در مورد تقیه تنها حرف زده‌اند و غیر از حرف چیز دیگری ندارند.

پرسش:

در مورد روایت «**كُنَّا نَتَّقِي**» نکته‌ای وجود دارد. ما در تقیه فعل واجب را ترک می‌کنیم، اما صحابه به خاطر ترس از پیغمبر اکرم حرام را ترک می‌کردند. این مسئله در ساختار تقیه قرار نمی‌گیرد.

«ابن بطال» در کتاب «شرح صحیح بخاری» ذیل این موضوع می‌نویسد:

«يجب أن تتقى عاقبة الكلام الجافي والمقاومة»

شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البکری القرطبی،
دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، الطبعة: الثانية، تحقيق: أبو تمیم
یاسر بن إبراهيم، ج ۷، ص ۲۹۵، ح ۷۵

و همچنین در کتاب «عمدة القاری» کلمه «الإبْسَاطُ» چنین معنا شده است:

«والانبساط) أي: ونتقى أيضا الانبساط إلى نساتنا، وأراد به التقصير في حقهن»

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار
إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۰، ص ۱۶۷، ح ۷۸۱۵

پاسخ:

اگر این باشد که فرمایش ایشان صحیح است. باید مقداری روایات دیگر را هم در این زمینه مطالعه کنیم، زیرا
کتب دیگر غیر از صحیح بخاری از جمله «سنن ابن ماجه» این مباحث را مقداری بازتر مطرح می‌کنند. ما باید
مشاهده کنیم کتب دیگر در توضیح این روایت چه مطلبی بیان کردند.

فرمایش ایشان هم فرمایش متینی است. زیرا صحابه برای تقیه از رسول گرامی اسلام کار حرامی را ترک
می‌کردند.

حال بحث ما سر این است که ما می‌خواهیم از روی تقیه، فعلی را که شارع مقدس بر ما حرام کرده است،
مرتکب شویم. همچنین می‌خواهیم از روی تقیه کاری را که شارع مقدس بر ما واجب کرده است را ترک کنیم.

بحث ما این است که ما می‌خواهیم با استفاده از تقیه حکم اولیه را کنار بگذاریم و به حکم ثانویه‌ای عمل کنیم.

اگر مراد این باشد، از این روایت خیلی زیاد نمی‌توانیم تقیه را استفاده کنیم، اما به عنوان تقیه عقلایی می‌توانیم
از آن استفاده کنیم.

به بیان دیگر مردم در هر جامعه‌ای به خاطر ترسی که دارند، بر خلاف عقیده خود عمل می‌کنند. اگر این نکته مراد باشد، می‌توانیم چنین برداشت کنیم که شخصی می‌خواهد کاری را انجام بدهد، اما به خاطر ترس، خلاف آنچه را که می‌خواهد انجام می‌دهد.

ولی در «ما نحن فیه» این مراد نیست بلکه شارع مقدس احکامی را وجوباً و حرماً برای من وضع کرده است، اما من می‌خواهم برخلاف حکم شارع عمل کنم. در هر صورت این مسئله مقداری احتیاج به دقت دارد، زیرا به مجرد دیدن روایات، انسان نمی‌تواند در مورد فقه الحدیثی آن حکم کند.

بله؛ این روایت نشان می‌دهد که صحابه که اهل سنت آن‌ها را عادل و تابع دستور پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌دانند، آن‌طور که باید و شاید تابع نبی مکرم نبودند. این روایت از آن دسته روایاتی است که عدالت صحابه و تبعیت آنها از رسول اکرم را زیر سؤال می‌برد. در آنجا خیلی راحت می‌توان از این روایات استفاده کرد.

پرسش:

ترک حرام در هر صورت ممدوح است، زیرا ما هم به خاطر امام زمان (ارواحنا له الفداه) گناه نمی‌کنیم و این مسئله بدی نیست.

پاسخ:

میان این مسائل تفاوت وجود دارد. ممکن است ما به خاطر آیه شریفه:

(أَلَمْ يَغْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي)

آیا نمی‌دانست که خدا او را می‌بیند؟!

سوره علق (۹۶): آیه ۱۴

مرتکب گناه نشویم، اما مراد از این روایت این است که این صحابه تابع پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و شریعت نبودند.

در صورتی که ما گناهی را به خاطر خداوند و «خوفاً من النار» انجام ندهیم ممدوح است، اما در حالت دیگری ممکن است فعلی که شارع مقدس آن را حرام کرده است یا قصد حرام کردن آن را دارد را مرتکب نشویم تنها به خاطر اینکه آیه‌ای در مورد ما نازل نشود. و این دو با هم فرق می‌کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته